



تربیت بدنی و ورزش مدارس در قرن بیست و یکم

محمود اردو خانی

اشاره

میزگرد مجله رشد و آموزش تربیت بدنی با حضور کارشناسان سید امیر حسینی دبیر میزگرد و دکتر جواد آزمون و دکتر محسن حلاجی و خانم طیبه ارشاد درباره تربیت بدنی و ورزش مدارس در قرن بیست و یکم در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در اسفند ۱۳۹۳ برگزار شد.

سید امیر حسینی: از دوستانی که در این میزگرد شرکت کرده‌اند، تشکر می‌کنم. موضوع بحث، تربیت بدنی و ورزش مدارس در قرن بیست و یکم است. مستحضر هستید که در اواخر قرن نوزدهم یک معلم فرانسوی به نام باروک پیردوکوبرتن با مطالعه‌ای که درباره زندگی اجتماعی آن روزگار داشت، به این نتیجه رسید که ورزش به عنوان یک ابزار آموزشی می‌تواند اهمیت پیدا کند و در تعلیم و تربیت اقسام مختلف جامعه نقشی داشته باشد. او با مطالعه مدارس انگلستان به این نتیجه رسید که ورزش و تربیت بدنی یگانه ابزار آموزشی و میراثی معنوی است که با احیای بازی‌های المپیک نقش خود را نشان داده و در قرن بیستم پیشرفت زیادی داشته و با تشکیل و به وجود آمدن رشته‌ها و فدراسیون‌های مختلف به عنوان یک پدیده اجتماعی و حتی یک صنعت بزرگ در جوامع مطرح شده است. اما امروز ما در قرن بیست و یکم قرار داریم و می‌خواهیم ببینیم که ویژگی‌های ورزش و تربیت بدنی در این قرن چیست و ورزش در این عصر چه جایگاهی دارد. همچنین، رویکردها و کارکردهایی که در این زمینه وجود دارد، از نظر دوستان چیست.

دکتر جواد آزمون: با تشکر از مسئولان مجله که موضوع میزگرد علمی را حول محور تربیت بدنی و ورزش مدارس سازماندهی کرده‌اند. با توجه به تاریخچه‌ای که جناب حسینی فرمودند، فکر می‌کنم موضوع تقریباً برای ما مشخص شد. البته اگر غیر از این است، بفرمایید تا صحبت‌هایمان را با موضوع اصلی همسو کنیم. به نظر می‌رسد که ابتدا بهتر است تکلیف واژه را معلوم کنیم. من در بحث ورزش در مدارس و تأثیر آن در آینده و قرن بیست و یکم چندان تخصص و تجربه

کاری ندارم، اما اگر بحث درباره تربیت بدنی در مدارس و آینده آن در قرن حاضر است شاید بتوانم حرفی بزنم. ولی در خصوص ورزش مدارس و آن تاریخچه‌ای که مطرح گردید و آن هم وصل شد به مسائل اجتماعی که در فرانسه بود، خیر. بنابراین من در خصوص تربیت بدنی و آینده آن، با ورزش و آینده صحبت می‌کنم. چندان معتقد نیستم که در آموزش و پرورش ورزشکار به شکلی تربیت شود که در عرصه المپیک خودنمایی کند. لاقلاً در کشور ما این گونه نیست، اما اگر ورزش را زیر چتر تربیت بدنی مدارس ببریم کارکردهایی دارد که نهایتاً خودش را در اجتماع نشان می‌دهد. نظریه و مقصودی که کوبرتن و دوستانش دنبال می‌کردند، یعنی درمان معضلات اجتماعی با ورزش، در اینجا خودبه‌خود به شکل پیشگیری از مدرسه شروع می‌شود و بچه‌ها برای ورود به اجتماع آماده می‌شوند. فکر می‌کنم که اگر ورزش با آن شکل و شمایل که دارد خواهد مطرح شود، در قرن آینده هم ورزش مدرسه به امراض مبتلا می‌گردد که الان در ورزش جامعه هست. اگر این دو خوب باز نشوند اظهار نظر ما شاید محکم نباشد. منظور اصلی من تربیت بدنی در مدرسه است؛ چون ورزش را ابزاری برای تربیت بدنی می‌دانم نه یک هدف. بنابراین، درباره آن به عنوان هدف برای آینده اظهار نظر نمی‌کنم.



امیر حسینی: چون امروزه با کم‌تحریکی ناشی از گسترش فناوری مواجه هستیم و جوامع دچار مشکلات زیادی می‌شوند، شاید بهتر باشد بحث تربیت‌بدنی و فعالیت‌های حرکتی مدارس در قرن بیست‌ویکم را اولویت بدهیم.

دکتر محسن حلاجی: بحث «ورزش مدرسه» را به‌عنوان یک اصطلاح در برابر «تربیت‌بدنی» می‌گذارند که اشکالی هم ندارد. منظور از ورزش مدرسه همان تربیت‌بدنی است. واژه‌ای است که می‌تواند خیلی وسیع برای عموم افراد جامعه کاربردهای خود را داشته باشد. بنابراین، برسر آن قسمت از ورزش مدارس که به‌عنوان درس بر آن تأکید می‌شود و در داخل مدرسه است، با دوستان اشتراک نظر داریم. اگر بخواهیم خلط می‌بندیم، می‌بینیم کاری را که برخی معلم تربیت‌بدنی و ورزش در مدرسه انجام می‌دهد افراد سایر صنف‌ها هم می‌توانند به‌راحتی انجام دهند اما اگر بحث همین تعلیم و تربیت باشد، متوجه می‌شویم که آنچه را کورتن به‌عنوان موضوع آموزشی برای تعلیم و تربیت نوجوانان به درون مدرسه برده است و هم رسمی شده، استفاده از فعالیت‌های بدنی و کارکردهای متنوعی همچون توسعه حس حرکتی، ادراکی حرکتی، آموزش فعالیت‌های جسمانی، و یادگیری مهارت‌های پایه رشته‌های ورزشی است. خیلی از دوستان اصطلاح مهارت‌های پایه ورزشی را در فعالیت‌های مطرح شده می‌بینند و زمینه‌ساز ورزش قهرمانی می‌کنند که از این طرف مهارت‌های پایه رشته‌های ورزشی و از آن طرف هم سواد جسمانی و فعالیت‌های بدنی است.

خانم طیبه ارشاد: آنچه در نظام تعلیم و تربیت براساس تألیف تربیت در اسناد تحول مطرح است،

نگاه به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان است که یکی از ابعاد آن جسمانی است. در سند هم می‌بینیم ساحتی به نام «ساحت زیستی بدنی» به رشد و پرورش آن پرداخته است و دقیقاً به رویکرد و قلمرو ساحت زیستی بدنی اشاره می‌کند و در واقع، به دنبال پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمانی در دانش‌آموزان است. برنامه‌ریزان هم به دنبال تدابیری هستند که برنامه‌های بعدی را پیش ببرند. یکی از دروسی که در تحقق اهداف ساحت زیستی بدنی و رشد در این ساحت، بسیار مؤثر عمل می‌کند، درس تربیت‌بدنی یا ورزش مدرسه است. امروزه درس تربیت‌بدنی یا ورزش مدرسه تعاریف و اسامی متعددی دارد. برخی از کشورها عناوین مختلفی به آن می‌دهند؛ مانند ورزش در مدرسه، تعلیم و تربیت حرکتی، تربیت‌بدنی، تربیت از طریق حرکت اما در همه این‌ها هدف یکی است و آن، رشد همه‌جانبه دانش‌آموز با به‌کارگیری ظرفیت‌های جسمانی و روانی آن و کمک به تکامل آن، به‌ویژه در بعد جسمانی و حرکتی، است. **امیر حسینی:** کورتن، پایه‌گذار نهضت المپیک، معتقد است که از طریق فعالیت‌های بدنی باید آموزش‌های اخلاقی را به بچه‌ها ارائه کرد. او تلاش می‌کرد ارزش‌ها را به‌عنوان پرتوهای نورانی دور هم جمع کند تا شاید آن رشته متوازن را به‌وجود آورد. در منشور المپیک هم تعادل جسم و روح مورد تأکید بوده است اما در قرن بیستم چه اتفاقاتی افتاد و امروز ما با چه مسائلی روبه‌رو هستیم؟ آیا آن ارزش‌ها هنوز حاکم‌اند؟ برای رسیدن به آن ارزش‌ها و اهداف که در نهضت المپیک هم روی آن‌ها بحث بود و با توجه به رشد متوازن و همه‌جانبه دانش‌آموزان - که خانم ارشاد گفتند- ابعاد و هدف‌نمایی تربیت‌بدنی مدارس در قرن بیست‌ویکم چه می‌تواند باشد؟ برخی از صاحب‌نظران یکی از هدف‌های مهم تربیت‌بدنی را تربیت شهروندی

برخی از صاحب‌نظران یکی از هدف‌های مهم تربیت‌بدنی را تربیت شهروندی می‌دانند و معتقدند که تربیت از طریق فعالیت‌های حرکتی باید به رشد متوازن و شهروندی فعال، کارآمد و مؤثر بینجامد



می‌دانند و معتقدند که تربیت از طریق فعالیت‌های حرکتی باید به رشد متوازن و شهروندانی فعال، کارآمد و مؤثر بینجامد.

دکتر آزمون: به صحبت‌های قبلی خود بازمی‌گردم و از صحبت‌های آقای امیر حسینی کمک می‌گیرم فکر می‌کنم نقش کوبرتن یا ایده‌های آن‌ها زاینده تفکرات برنامه‌ریزی درسی در جهان نبوده است و آن‌ها هم بعدها با این تفکرات آشنا شده‌اند. چون برنامه‌ریزی تربیت بدنی و کسانی که در این حوزه کار کرده‌اند خیلی قدیمی‌تر از دوره کوبرتن هستند. به همین دلیل، فکر می‌کنم که کوبرتن و دوستانش به دلیل شناختی که از جامعه خودشان داشته‌اند، انتظاراتشان هم فراتر از مدرسه بوده و آموزش‌های مدرسه‌ای تأثیرات خودشان داشته‌اند، اما در جامعه اتفاقاتی افتاده که مدرسه چندان تأثیرگذار نبوده است. آمدند رویدادهای ورزشی را دنبال کردند که به لحاظ سنی نزدیک به دوران مدرسه نیست بلکه پایان این دوره است یعنی در مدرسه از این جهت شاید بحث ورزش مدرسه مورد استفاده قرار گرفته برای اینکه بتوانند ورود کنند و ایده المپیک را منتشر سازند. این‌طور نبوده که المپیک بوده و بعد تربیت بدنی مدرسه از آن بیرون آمده باشد. تحلیل من برای آینده پایه تربیت بدنی است. وقتی این عبارت را به کار می‌بریم، به‌عنوان یک فرایند آموزشی چند ابزار دارد که خمیرمایه همه آن‌ها فعالیت و حرکت بدن است. یکی از آن‌ها نیز ورزش است اما نه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای همین که دانش آموز از مدرسه تا خانه می‌آید، فعالیت بدنی است. فعالیت در مدرسه هم که باعث خارج شدن ضربان قلب از حالت عادی و بالا رفتن متابولیسم می‌شود، فعالیت بدنی است. به‌نظر من این یک ابزار است تا تربیت بدنی به هدفش برسد. بعد بازی‌های دوران کودکی که به‌طور غریزی

انجام می‌شوند، به‌عنوان ابزار در دسترس‌اند. پلی (play) هم ابزاری است برای معلم تربیت بدنی که متناسب با سن بچه‌ها از آن استفاده می‌کند. بعد گیم (Game)‌ها هستند که سطح پیشرفته‌تری از پلی‌ها هستند که برای معلم تربیت بدنی برای آموزش‌های لازم ابزار هستند. در نهایت، در پایان دوران تحصیل مقطع ابتدایی است که بحث ورزش به مدرسه وارد می‌شود. آن هم برای یاد دادن مهارت‌های اصلی و پایه رشته‌های ورزشی؛ یعنی اگر این‌ها را به‌عنوان بخش‌های اصلی بپذیریم، از آنجا که زندگی در اجتماع و در دنیا تغییر و تحول یافته تا حدودی این‌ها را متحول کرده است، پس باید انتظار داشته باشیم که تربیت بدنی هم در آینده دچار تحول اساسی شود. چون در گذشته پلی و تا حدودی گیم داشتیم ولی در حال حاضر مطالعات نشان می‌دهد؛ که برنامه درسی تربیت بدنی در مدارس دنیا حدود پنجاه درصد پیاده می‌شود. که کشور ما هم جزو آن پنجاه درصد است. شرایط زندگی نوین تغییراتی ایجاد کرده و نوع فعالیت‌های جسمانی را هم تغییر داده است. بچه‌ها در گذشته پیاده به مدرسه رفت‌وآمد می‌کردند اما امروز با سرویس می‌روند. تکنولوژی تربیت بدنی را به چالش کشیده است فعالیت بدنی بچه‌ها کم شده است، بنابراین فعالیت بدنی باید به برنامه روزانه آن‌ها اضافه شود. در بحث بازی‌ها ما در دوران کودکی بازی‌های زیادی داشتیم اما در حال حاضر بازی‌ها ذهنی شده‌اند. بنابراین، سهم تربیت بدنی در آینده نه از نظر محتوا بلکه در اجرا هم باید تغییر کند. همان‌طور که گفتیم، گیم‌ها دچار تغییر اساسی شده‌اند و زندگی صنعتی آن‌ها را از حالت بدنی یا جسمی درآورده و به سمت ذهنی بودن برده است. از این رو، رسالت تربیت بدنی به‌عنوان یک ماده درسی هم در قرن آینده دچار تغییر و تحول می‌شود. من ورزش را یک ابزار تعلیمی و تربیتی می‌دانم؛ چون در اینجا بحث

در بحث بازی‌ها ما در دوران کودکی بازی‌های زیادی داشتیم اما در حال حاضر بازی‌ها ذهنی شده‌اند. بنابراین، سهم تربیت بدنی در آینده نه از نظر محتوا بلکه در اجرا هم باید تغییر کند



تربیت بدنی است. به نظر می‌رسد ورزشی که جامعه به دنبال آن است، بیشتر جنبه تجاری دارد و جنبه شغلی پیدا می‌کند. مربی و سازمان لیگ به صنعت تبدیل شده‌اند و دچار عرضه و تقاضا هستند. تربیت بدنی برای بهسازی انسان است اما ورزش برای کسب سود بیشتر. لذا با توجه به روش‌های هر کدام از این دو، در تغییر و تحولاتشان نیز تفاوت وجود دارد. نمی‌توانیم از آینده ورزش همان انتظاری را داشته باشیم که در گذشته بوده است و اگر قبلاً از مدرسه انتظار ورزش داشته‌اند، در حال حاضر این انتظار باید حداقل در دوره ابتدایی در حد صفر باشد؛ چون ورزش به تجارت تبدیل شده است و این به مدرسه ربطی ندارد.



آقای امیر حسینی

امیر حسینی: نهضت المپیک

در قرن بیستم به مشکلاتی مانند دوپینگ و سوء استفاده‌های سیاسی برخورد. این نهضت عملاً برای آنکه بتواند ورزش را به‌عنوان ابزار تربیتی در جامعه و تربیت شهروند و متوازن ساختن جسم و روح مطرح کند، چاره‌ای نداشت جز اینکه به ورزش مدارس توجه کند. بنابراین، در سطح جهانی بازی‌های جوانان را در قالب المپیاد طراحی کردند تا جوانان تجارب خود را از ورزش و فعالیت‌های بدنی در عرصه‌های بین‌المللی ارائه کنند. در یک نشست جهانی که بنده هم حضور داشتم، برخی از نمایندگان معلولان و افراد سالم که در مسابقات شرکت کرده بودند، همگی بر اینکه ورزش فرصت‌های خوبی را برای خودشناسی، اعتماد به نفس و ارتباطات مؤثر با دیگران به‌وجود می‌آورد، اتفاق نظر داشتند. ما امروزه با موضوع محیط‌زیست هم مواجه هستیم که اهمیت دارد.

آیا درس تربیت بدنی و فعالیت‌های ما می‌تواند کاری کند که در هزاره جدید بچه‌ها به محیط‌زیست احترام بگذارند و برای توسعه پایدار آن کمک کنند؟ از موضوعات جدیدی که در این هزاره مطرح است، یکی این است که ورزش در خدمت صلح و توسعه قرار بگیرد، به‌عنوان یک حق طبیعی و از حقوق فردی شناخته شود و امکان دستیابی همه مردم - زن و مرد - را با توجه به محدودیت‌های حرکتی که فناوری به آن‌ها تحمیل کرده است، فراهم کند. دکتر حلاجی با توجه به بحث آموزش‌های مهارت‌های پایه و سواد جسمانی و چشم‌اندازها و مطالعات تطبیقی که در کشورهای مختلف داشته‌اند، نظر خود را بیان کردند.

دکتر حلاجی: با تکیه بر مطالعاتی که انجام شده

است، دو رویکرد را از هم مشخص و جدا می‌کنم؛ یکی رویکرد استقرایی است که در فلسفه و منطق نیز بیان

می‌شود. وقتی مردم نیازهایشان را می‌گویند - یعنی از پایین به بالا نیازسنجی می‌شود - تا مشکلاتی را که از نظر سلامتی و تعاملات اجتماعی - درسی و شناختی دارند شناخته شود. این یک نگاه است که معمولاً مسئولان آموزش و پرورش کمتر به سمت آن می‌روند. دیگری نگاه از بالا به پایین است؛ یعنی مسئولان حس می‌کنند نیازی وجود دارد. براساس این نگاه، چون در مدارس جهان درس تربیت بدنی وجود دارد ما هم این درس را داشته باشیم؛ در حالی که در بعضی از کشورها اصلاً لزومی نمی‌بینند به این درس بپردازند چون بچه‌ها در بیرون مدرسه فعالیت‌های خوبی دارند. به‌عنوان نمونه، در ژاپن به دلیل بالا بودن سواد والدین و توانایی آن‌ها در آموزش دادن به بچه‌ها سال‌هاست که پیش‌دبستانی را حذف کرده‌اند. می‌گویند چیزهایی را که ما می‌خواهیم آموزش بدهیم، آن‌ها در حال حاضر دارند آموزش می‌دهند. ما باید بسنجیم که چه مقدار از آموزش‌هایی که در بیرون مدرسه دارد انجام می‌شود، درس تربیت بدنی را پوشش می‌دهد. دوستان به ساحت زیستی اشاره کردند. باید تکلیف آن هم روشن شود و بدانیم که چه اهداف و قلمرویی دارد. در حال حاضر، چیزی که داریم درس تربیت بدنی و آموزش بهداشت و سلامتی است که باید به آن‌ها توجه کنیم. نتیجه مطالعاتی که انجام شده است نشان می‌دهد که در سراسر جهان، به لحاظ بعد فلسفی روی بحث هستی‌شناسی و انسان‌شناسی تأکید می‌شود. هستی‌شناسی گزاره‌های توصیفی و تبیینی دارد که کمک می‌کند انسان هستی را خوب بشناسد و بعد، موقعیت تعلیم و تربیت را مشخص کند. آن‌گاه وضعیت تربیت بدنی را به‌عنوان یکی از عرصه‌های آن در هستی مشخص و روشن نماید. از آن طرف، بحث انسان‌شناسی مطرح است و آن ناظر بر این است که انسان چگونه موجودی است؛ چون نیازمند به تعلیم و تربیت است. بنابراین تربیت بدنی به‌عنوان حوزه‌ای که می‌تواند منافی برای تعلیم و تربیت انسان داشته باشد، باید اشاعه پیدا کند. از جهت دیگر، بعد تعلیم و تربیتی مطرح شده است؛ یعنی می‌خواهند بگویند که تربیت بدنی امروزه در دنیا به‌عنوان یک عرصه تعلیم و تربیتی مطرح است و ممکن است کارکرد رشدی داشته باشد نه اینکه صرفاً چیزی باشد که ما از آن به‌عنوان فعالیت‌های ورزشی یاد می‌کنیم. برای نمونه، اگر بخواهیم خلبان آموزش بدهیم در کشور ما آزمون‌هایی می‌گیرند و افراد را برای خلبانی می‌برند. در حالی که این افراد نزدیک‌ترین هستند به خلبانی نه بهترین؛ اگر به تربیت بدنی از نظر کارکردهای جسمانی و فعالیت‌های حرکتی و بازی‌های حسی حرکتی و حسی ادراکی به‌خوبی توجه شود، می‌توانید بهترین‌ها را در آنجا برای خلبانی انتخاب کنید. ما وقتی از فلسفه تعلیم و تربیت دور می‌شویم، به دغدغه‌های سیاسیون و ارگان‌های بالاتر توجه می‌کنیم. برنامه راهبردی ورزش در انگلستان که چشم‌اندازی برای سال ۲۰۲۰ دارد، همین را

می گوید. دولت سالانه ۲۰ میلیون پوند هزینه کم حرکتی مردم می کند. دولت می گوید این به ضرر من است. پس از تمام دستگاه‌ها و از جمله آموزش و پرورش کمک می خواهد. مسئولان آموزش و پرورش هم فکر می کنند که اینجا عرصه تاخت و تاز سلامتی دانش آموزان از طریق فعالیت‌های حرکتی است.

لذامی بینید که پیامدهای درس تربیت بدنی به کار کرده‌های آن تبدیل می شود؛ در حالی که برای این قضیه فکری نشده است. به شما می گویند که دفاع منفی از تربیت بدنی و ورزش مدرسه این است که بگویید باعث کاهش امراض قلبی - عروقی و دیابت می شود. با این تعریف تمرین تربیت بدنی را به هم می ریزید. می گویند در اینجا شما باید به بعد تعلیم و تربیتی توجه کنید نه عنصری که مورد نیازند و نه آن چیزی که جامعه می خواهد؛ چون در جاهای دیگر هم نیاز وجود دارد. افرادی هستند که تردمیل می زنند و به لحاظ قلبی - عروقی رشد می کنند ولی از نظر ادراکی حرکتی رشد نمی کنند. در اینجا، دولت به هدفی که داشته رسیده اما به هدف تعلیم و تربیت خواسته نرسیده است.

یکی از حوزه‌های آموزش دنبال کردن روش‌های آموزش تربیت بدنی و برنامه‌ریزی است. کارکردهای تربیت بدنی از نظر مردم رشد جسمانی، عقیدتی، عاطفی و اجتماعی است. چه بسا بچه‌ها را به درس تربیت بدنی بفرستیم اما آن‌ها به جای اینکه رشد کنند آسیب ببینند در حالی که قرار بوده بچه‌ها سلامتی به دست بیاورند، آسیب راتجربه می کنند.

خانم ارشاد: امروزه سه هدف کلی برای مدارس در

نظر گرفته شده است؛ اولین آن همان است که فرمودید؛ منتها استفاده و بهره‌برداری از دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش‌هایی که برای تربیت شهروند کارا مورد نیاز است، با نگاهی سنتی تفاوت دارد. در گذشته می گفتیم تربیت بدنی در سلامت و رشد تأثیرگذار است و اهمیت دارد. با این احتمال که بچه‌ها در بزرگسالی هم به تربیت بدنی می پردازند ولی امروزه چنین نگاهی نیست.

امروزه به دنبال روش‌هایی هستند که از دانش‌ها و نگرش‌هایی که در دوران تحصیل یاد داده می شود، چگونه استفاده کنند و در نهایت به شهروند کارا تبدیل شوند. دومین هدف مهمی که مدارس دنیا برایشان متصور است و دنبال می کنند، توسعه ظرفیت‌های هر دانش آموز است. رشد همه‌جانبه و ظرفیت‌های دانش آموز باید به ظهور و بروز برسد. سومین هدف کمک به دانش آموزان است برای اینکه جهانی بهتر بسازند و دنیایی را که در آن زندگی می کنند بسازند و یاد بگیرند. این سه هدف برای مدارس دنیا متصور است. براساس این اهداف رویکردهای متنوعی در برنامه درسی شکل گرفته که قطعاً درس تربیت بدنی در همه دنیا به عنوان یکی از دروس رسمی متأثر از این رویکردهای کلان به

برنامه درسی است. قطعاً هر حوزه علمی به دنبال آن است که محتواهای پایه خود را به دانش آموزان آموزش بدهد. درس تربیت بدنی هم مجزا از این قاعده نیست. ما هم دانش آکادمیک و اختصاصی درخصوص موضوعات علمی تربیت بدنی با گرایش‌های مختلف داریم که نیازی به باز کردن آن نیست. رویکرد دوم برنامه درسی انسان گرایانه است. آنچه امروز جامعه به دنبال آن است، تکروی‌ها، بد اخلاقی‌ها، انزواها و گوشه‌گیری‌هایی که در بین احاد جامعه دیده می شود، برنامه‌ریزان را به این سمت و سو برده است که برنامه درسی انسان گرایانه با تأکید بر پرورش ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی و همزیستی انسان‌ها را در فضای امن و ایمن و پرمحبت در برنامه‌های درسی دنبال کنند. سومین رویکرد بازسازی اجتماعی است و برنامه‌های درسی برای ساختن جامعه بهتر، قانونمندتر و مدون‌تر هدایت می شوند. هر کدام از این رویکردها باعث می شود برنامه‌های درسی، به ویژه تربیت بدنی، سوگیری خاص خود را داشته باشند. ما در این درس هر کدام از این رویکردها را در نظر بگیریم، می توانیم یک نوع ورود داشته باشیم. برای نمونه، جو سیاسی، اجتماعی، اقتصادی هر جامعه‌ای برنامه‌ریزان درسی را در انتخاب رویکردها و جهت‌ها مشخص می کند. به عنوان مثال، در شوروی سابق

زمانی که برای اولین بار توانستند به فضا راه پیدا کنند، رویکرد و تسلط آکادمیک خیلی پررنگ شد و درس علوم و علوم پایه اهمیت و جایگاه خاص و ویژه‌ای در برنامه‌های درسی آن‌ها پیدا کرد یا در کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، با رواج خشونت در مدارس و بردن سلاح گرم به داخل مدرسه و اتفاقاتی که افتاد، جو سیاسی و اجتماعی به سمت

رویکردهای انسان گرایانه کشیده شد ولی آنچه مسلم است برنامه‌ریزی درسی قطعاً زمانی توفیق خواهد داشت که از هر سه این‌ها بهره‌مند باشد و هر سه رویکرد به کمک بیابند. درس تربیت بدنی یکی از دروسی است که در ترویج سبک زندگی سالم فعال است. ما شاید در نگاه سنت گرایانه می گفتیم آمادگی جسمانی را به بچه‌ها آموزش می دهیم و روی روش‌های ارتقای آمادگی جسمانی آن‌ها کار می کنیم و راهبردها و مفاهیم را به آن‌ها آموزش می دهیم ولی در سبک و شیوه زندگی سالم به آن‌ها می گوئیم آنچه را به تو یاد داده‌ایم چگونه می توانی در بزرگسالی یا به عنوان یک بزرگسال به کار بگیری که از این رهگذر دو مورد خوب برایت پیش بیاید: یکی اینکه کیفیت زندگی‌ات را ارتقا بدهی و دوم سلامت خود را در زندگی تأمین کنی. بچه‌ها این‌ها را به صورت علمی



خانم ارشاد

امروزه به دنبال روش‌هایی هستند که از دانش‌ها و نگرش‌هایی که در دوران تحصیل یاد داده می شود، چگونه استفاده کنند و در نهایت به شهروند کارا تبدیل شوند

محدود ساخته است. فکر می‌کنم جهت‌گیری تربیت‌بدنی در قرن بیست‌ویکم باید آشنایی با فرهنگ و تاریخ بچه‌ها باشد؛ یعنی همان چیزی که کورتن در تعریفی که از المپیک می‌کرد، به آن توجه داشت. آیین همت، میهن‌دوستی و پرورش شجاعت و روحیه سخاوت، ارتباط تنگاتنگ با هنر و ادب. این تعریف باید در فعالیت‌های بدنی و با توجه به نقش الگوی برتر ورزش تقویت شود. ما در قرن بیست‌ویکم با تهدیدهایی روبه‌رو هستیم که مربیان و مدیران مدارس، و خانواده‌ها باید به آن‌ها توجه کنند تا به جایی برسیم.

دکتر آزمون: ماحصل بحث‌هایم را با توجه به مطالب طرح‌شده جمع‌بندی می‌کنم. تربیت بدنی در مدرسه چهار رکن دارد. ۱. برنامه، ۲. مخاطب، ۳. معلم، و ۴. امکانات و تجهیزات.

اگر سیر تحول این ارکان را در نظر بگیریم، می‌توانیم نتیجه آن را به درس تربیت‌بدنی منتقل کنیم. برنامه در مدارس دنیا مبتنی بر نیازهای جامعه طراحی می‌شود. اگر تاریخ تحول تربیت‌بدنی را دنبال کنیم، متوجه می‌شویم در زمان‌های خیلی قدیم که مدرسه‌ای وجود نداشته، فلسفه تربیت‌بدنی حفظ و بقا بوده است؛ یعنی آدم‌ها، خصوصاً انسان‌های اولیه، برای اینکه خورده نشوند یا غذا به‌دست آورند، تلاش می‌کردند اما این کارها را در مدرسه یاد نمی‌گرفتند بلکه در طبیعت دوره می‌دیدند. تا زمانی که انسان به صنعتی شدن و دوران شکوفایی می‌رسد که در آن، همه مباحث علمی است و تربیت‌بدنی هم یکی از آن‌هاست. با تغییر زندگی انسان در این دوره‌ها نیاز به تربیت‌بدنی هم به‌عنوان یک ماده درسی دچار تحول شده است. از اول قرن نوزدهم تحولات زیادی صورت گرفته است که در برنامه‌ها خودش را نشان می‌دهد. انواع اسامی که برای برنامه‌های درسی انتخاب کرده‌اند، برخاسته از همین شرایط زندگی در جامعه بوده است. امروزه در کشورها انتظارشان از تربیت‌بدنی، تربیت شهروندانی سالم است که قوی باشند و بتوانند خود و بدنشان را اداره کنند. برنامه‌ها هم متناسب با این انتظار جامعه دچار تحول شده‌اند و در آینده هم چون جامعه تغییر می‌کند، باید انتظار داشته باشیم که در برنامه هم تغییراتی اتفاق بیفتد. در این میان، نیاز مخاطبان یعنی دانش‌آموزان نیز تغییر کرده است و فعالیت‌هایشان که در ششانه‌روز بوده، بسیار کمتر شده است. بنابراین، هم نیاز مخاطب دچار تغییر و تحول می‌شود و هم تربیت‌بدنی تغییر و تحول خواهد داشت. معلم بیست سال پیش توانایی تدریس در مدرسه امروز را ندارد. معلمان نیز باید دچار تغییر و تحول شوند. در تجهیزات هم تغییرات

و عملی فرا می‌گیرند. این رویکرد درس تربیت‌بدنی در یک سری تمرین‌ها و وادار کردن بچه‌ها به فعالیت‌های آمادگی جسمانی خلاصه نمی‌شود. اینجا روش‌های ارتقای آمادگی جسمانی و در کنار آن روش‌های سنجش و ارزیابی آمادگی جسمانی و کارکردها و اهمیت آن آموزش داده می‌شود تا بچه‌ها بتوانند از تمام امکانات موجود در زندگی استفاده کنند. در بسیاری از کشورها برای ترویج رویکرد زندگی فعال و سالم و تحقق اهداف آمادگی جسمانی به درس تربیت‌بدنی کاری ندارند و به سراغ ظرفیت‌های موجود دیگر در دوران مدرسه می‌روند. مثلاً به دانش‌آموزان به‌قدری بینش می‌دهند و آن‌ها را ترغیب و تشویق می‌کنند که پیاده رفتن از خانه تا مدرسه و حضور در ورزش صبحگاهی و رقابت‌های دوستانه ورزشی را ضروری می‌دانند و خیلی فراتر از دو ساعت درس تربیت بدنی یا روش‌های کلاسه شده قبلی به طرف تربیت دانش‌آموز چندوجهی، و شهروند کارا تکامل یافته و آماده برای ساختن جهانی بهتر، حرکت می‌کنند.



دکتر آزمون

امیر حسینی: سرکار خانم ویژگی‌های بسیار خوب و شاخصی را برای مدارس در قرن بیست‌ویکم فرمودند. استادی می‌گفت بچه‌ها از حیاط‌هایی که ما در دوره کودکی داشتیم محروم شده‌اند و در آپارتمان‌ها هم دائم به آن‌ها می‌گویند حرکت نکن؛ با سرویس مدرسه می‌روند و در سرویس به آن‌ها می‌گویند حرکت نکن. در حیاط مدرسه و در کلاس‌ها مدام به او می‌گویند شلوغ نکن و حرکت نداشته باش. این معضلی است که جوامع مختلف در قرن بیستم به آن مبتلا شدند. فکر می‌کنم بحث‌های خیلی خوب و جالبی مطرح شد. اینکه تربیت بدنی در قرن بیست‌ویکم باید سواد جسمانی و بدنی دانش‌آموزان را بالا ببرد، دانش آکادمیک را تقویت کند و فرصت‌هایی در این قرن با توجه به گسترش فناوری جدید ایجاد شود. امروزه ضریب نفوذ استفاده از اینترنت، کشور را با آمار ۵۳ درصدی مواجه ساخته است و دانش‌آموزان ما دو تا چهار ساعت از وقت خود را به آن اختصاص می‌دهند. با عضویت بچه‌ها در فضاهای مجازی محدودیت فضاهای ورزشی را که پیش از این به خوبی احساس می‌شد، از میان برده و ارتباطات واقعی را که بچه‌ها در جامعه تجربه می‌کردند، و نیز امکان تصمیم‌گیری در فعالیت‌های ورزشی و بدنی و تجزیه و تحلیل و آشنایی با روش‌های حل مسئله را

امروزه ضریب نفوذ استفاده از اینترنت، کشور را با آمار ۵۳ درصد مواجه ساخته است و دانش‌آموزان ما دو تا چهار ساعت از وقت خود را به آن اختصاص می‌دهند



دکتر حلاجی

ندارد. بنابراین معلمان باید به‌روز باشند و در همین راستا دانشگاه فرهنگیان با تدوین برنامه درسی جدید در دو گرایش آموزشی تربیت بدنی برای دوره ابتدایی و آموزش تربیت بدنی برای دوره متوسطه در تلاش است تا معلمان تربیت بدنی با توجه به نیازهای امروز جامعه را تربیت کند.

خانم ارشاد: به‌عنوان سخن

پایانی‌ام قصد دارم فرد تربیت‌یافته در تربیت‌بدنی را در عصر حاضر یا قرن بیست‌ویکم این‌گونه توصیف کنم: فردی سالم با نشاط، ماهر و توانمند که با شناخت ظرفیت‌های جسمانی و وجودی خودش بتواند خطر کند، در مسائل درگیر شود، از بدنش محافظت کند و با به‌کارگیری راهبردها بدن خود را تقویت کند. این فرد توانایی کار

گروهی را دارد؛ می‌تواند برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کند و برای تأمین سلامت خود از آن بهره‌مند شود. می‌تواند در برنامه تربیت‌بدنی و ارتقای سلامت در سطح جامعه حضوری داشته باشد و به‌عنوان یک فرد رشد یافته در توسعه فردی و اجتماعی و سیاسی حضور پیدا کند.

امیر حسینی: بحث می‌تواند خیلی گسترده‌تر

باشد اما با توجه به نکاتی که بحث شد، می‌تواند حیات طیبه باشد اما نه فقط در آن دنیا بلکه در اینجا باید آغاز شود. تربیت‌بدنی می‌تواند در مدارس، با توجه به وقت کمی که دارد روی مدلی کار کند و ایجاد انگیزه کند تا شهروندانی فعال و سالم داشته باشیم. ما می‌توانیم از طریق فرصت‌های تربیت‌بدنی و ورزش و مشوق‌های لازم زمینه رشد مهارت‌های زندگی را برای بچه‌ها فراهم کنیم. بچه‌ها باید از طریق تربیت‌بدنی ارزش‌هایی مثل احترام به خود و دیگران و لذت بردن از تلاش و کوشش و تعالی، دوستی و بالا بردن ظرفیت‌های خودشان را بیاموزند و تمرین صبر و شکیبایی کنند؛ با توجه به گسترش فضای مجازی و اینترنتی که صبر آن‌ها را کاهش می‌دهد. تربیت‌بدنی می‌تواند این خلأ را پر کند و در قرن بیست‌ویکم دانش و سواد ورزشی بچه‌ها را ارتقا دهد تا شهروندان فعالی برای آینده باشند، تاریخ و فرهنگ خود را بشناسند و به‌خوبی برای داشتن بدن سالم و تناسب اندام راهنمایی و هدایت شوند.

زیادی رخ داده است؛ به‌طوری که اگر آموزش نبینید، نمی‌توانید از آن‌ها استفاده کنید. در جمع‌بندی این چهار رکن باید بگوییم نقش محوری معلم خیلی برجسته است؛ چون اگر برنامه، دانش آموز و تجهیزات داشته باشیم ولی معلمی نتواند مسائل را باب روز منتقل کند، در واقع آب در هاون کوبیدن است. از منظر دیگر، ما تربیت‌بدنی در مدرسه را یک فرایند می‌دانیم که یک درون‌داد و یک برون‌داد دارد. این دو زیاد تغییر نکرده اما وارد فرایند که می‌شویم، زندگی جدید روی آن خیلی تأثیر گذاشته است. در این فرایندها نقش معلم خیلی برجسته و مهم است و تغییر و تحول او اهمیت زیادی دارد. اگر قرار است تربیت‌بدنی همپای تغییر و تحول پیش برود، معلم باید پیش از سایر بخش‌ها خودش را متحول کند.

امیر حسینی: آیا می‌توانیم مدل خاصی ارائه کنیم؟ چه مدلی را باید به کار بگیریم؟

دکتر حلاجی: ما نباید به دنیا بی‌توجه باشیم. در کشور ما بحث تحول بنیادین آموزش و پرورش مطرح است که مبانی نظری دارد و برنامه درسی‌ای بر مبنای آن تدوین شده است که افق آینده را نشان می‌دهد. از جمله بحث‌های مهمی که در افق آینده مطرح است، یکی حیات طیبه است که باید از نگاه فعالیت‌های جسمانی به آن نگریسته شود، دیگری شایستگی است؛ یعنی هدف‌ها را با محوریت شایستگی بنویسیم.

این‌ها واژه‌ها کلیدی هستند. با تأکید مقام معظم رهبری و با مداخله دانشگاه و حوزه علمیه اسنادی تهیه شده است. که در مجموع مبانی نظری تحول بنیادین را شکل داده است. با توجه به این مبانی و برنامه‌درسی ملی ما نیز برای تربیت بدنی و ورزش مدارس برنامه‌ریزی کنیم. رابطه حیات طیبه و آموزه‌های تربیت بدنی چیست؟ یکی از مواردی که از آن غفلت شده حرکت است. در تعریف حیات طیبه خداوند در قرآن وعده جایگاه شایسته در بهشت را به زنان و مردان مؤمن می‌دهد. یکی از مواهب شاید همین لذت بردن از حرکت و فعالیت‌های بدنی باشد که سیر تکاملی آن از همین‌جا شروع می‌شود. معلم باید کاری کند که بچه از فعالیت بدنی لذت برد. دولت می‌خواهد ضمن کاهش هزینه‌ها سعادت مردم هم تأمین شود. برای همین امر معلمان و از جمله معلمان تربیت بدنی را استخدام و به کار می‌گیرد. اولیا می‌خواهند بچه‌های آن‌ها از نظر تناسب اندام و رغبت به فعالیت‌های ورزشی و بدنی داوطلب باشند. تا کنون دانشگاه‌های دروسی را ارائه داده‌اند که تناسبی با نیازهای امروز معلمان تربیت‌بدنی